



مؤسسه انتشارات نگاه

گردباد شور جنون

سبک هندی و احوال و اشعار کلیم کاشانی

محمد شمس لنگرودی



گردباد شور جنون

عنوان و نام پدیدآور	سشناسه
: شمس لنگرودی، محمد، -۱۳۳۰	گردباد شور جنون: (سبک هندی، کلیم کاشانی و گزیده اشعار) / محمد شمس لنگرودی.
مشخصات نشر:	تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری:	. ۳۰۴ ص.
شابک:	ISBN: 978-600-376-311-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
پادداشت	: کتاب حاضر در سال های مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
پادداشت	: عنوان دیگر: گردباد شور جنون: تحقیقی در سبک هندی و احوال و اشعار کلیم کاشانی.
پادداشت	: کتابنامه: ص. [۳۰۳-۳۱۰]؛ همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	: سبک هندی، کلیم کاشانی و گزیده اشعار.
عنوان دیگر	: گردباد شور جنون: تحقیقی در سبک هندی و احوال و اشعار کلیم کاشانی.
عنوان دیگر	: تحقیقی در سبک هندی و احوال و اشعار کلیم کاشانی.
موضوع	: کلیم، ابوطالب، ۱۰۶۱ ق. - نقد و تفسیر:
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۱ ق. - تاریخ و نقد.
موضوع	: Persian Poetry - 14 th century - History and Criticism :
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۱ ق.
موضوع	: Persian Poetry - 17 th century :
موضوع	: سبک هندی
موضوع	: Indian style (Persian Poetry)* :
ردہ بندی کنگره	: PIR ۶۵۲۱/۸۸۴ شن ۱۳۹۷
ردہ بندی دیوبی	: ۸۱/۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۱۲۵۰۱۸

گردباد شور جنون

(سبک هندی، کلیم کاشانی و گزیده اشعار)

محمد شمس لنگرودی



موسسه انتشارات نگاه

محمد شمس لنگرودی

گردباد شور جنون

(تحقيقی در سبک هندی و احوال و اشعار کلیم کاشانی)

ویرایش: دفتر انتشارات نگاه

طراحی جلد: فرشید خالقی

چاپ اول: فروزدین ۱۳۹۸ - شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ دیجیتال: نقطه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۷۶-۳۱۱-۱

حق چاپ محفوظ است.



مؤسسه انتشارات نگاه

تأسیس ۱۳۵۲

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان شهدای راندازمری،
بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه ۵

تلفن: ۰۲-۶۶۹۷۵۷۱۱ - ۰۷-۶۶۹۷۵۷۰۷

negahpublisher@yahoo.com

• www.negahpub.com • [negahpub](http://negahpub.com) • [newsnegahpub](http://newsnegahpub.com)

نام کلیم کاشانی و سبک هندی را اول باز از پدرم
حضرت جعفر شمس گیلانی شنیدم. این مجموعه را تقدیم
ایشان می کنم.

یکیست انجمن و خلوتم ز شور جنون
که گردباد کنار و میان نمی داند
کلیم کاشانی

فهرست مطالب

۱۱.....	پیش سخن
کتاب اول. صدای پای خیال	
۱۹.....	دارالامان
۱۹.....	مدخل
۳۴.....	علت بی اعتنایی سلاطین صفوی به شعرو شاعران
۴۱.....	مولد و موطن سبک هندی (اصفهانی)
۴۶.....	۱. بررسی نظر او (نظر ایرانی بودن سبک هندی - اصفهانی)
۵۴.....	۲. بررسی نظر دوم (نظر هندی بودن سبک هندی)
۵۵.....	۳. بررسی نظر سوم (نظری که گستره تاریخ ایران و هند را مولد و موطن سبک هندی می داند).
۶۴.....	درستی و نادرستی نام سبک هندی (اصفهانی)
۶۴.....	آیا اصولاً اطلاق نام سبک هندی (اصفهانی) یا صفوی براین طرز درست است یا خیر؟
۷۱.....	ویژگی های سبک هندی (اصفهانی)
۷۱.....	الف. مدخل:

۸ / گردباد شور جنون

ب. ویژگی‌های سبک هندی (اصفهانی).....	۸۱
۱. دقیقت در محسوسات و مشهودات روزمره و نفوذ در جوهر اشیاء و پدیده‌ها	۸۲
۲. شخصیت بخشیدن به اشیاء	۸۵
۳. نکته سنجی و دقیقت در جزئیات	۸۶
۴. جستجوی معنی بیگانه	۸۷
۵. اغراق	۹۰
۶. استفاده افراطی از استعاره و تشبیه و مجاز	۹۲
۷. ایجاد و ایهام	۹۴
۸. اسلوب معادله (حکمت تجربی عامیانه)	۹۷
۹. استفاده از فرهنگ کوچه و الهام از تجارت روزمره	۱۰۵
۱۰. دوری جستن از بهره‌گیری از آیات و احادیث	۱۰۸
۱۱. بی‌توجهی به پاره‌ای دقایق ادبی	۱۰۸
۱۲. طرد معماپردازی	۱۱۰
۱۳. اظهار شکستگی و نامرادی و یاس	۱۱۲

کتاب دوم. گردباد شور جنون

کلیم کاشانی	۱۱۹
پست و بلند شعر کلیم	۱۲۷
فراز شعر کلیم	۱۳۰
ب. فرود سخن	۱۳۶
۱. تنافق در معنا و تصاویر	۱۳۷
۲. ضعف تألیف	۱۴۰
آثار کلیم	۱۴۳
فهرست آثار چاپ شده کلیم کاشانی	۱۴۵
فهرست نسخه‌های خطی آثار کلیم کاشانی	۱۴۵
کلیات کلیم	۱۴۶

فهرست مطالب / ۹

۱۴۷.....	شاهجهان نامه = پادشاه نامه = ظفرنامه
۱۴۷.....	دیوان کلیم کاشانی
۱۵۲.....	قططیه = وصف قحط
۱۵۴	شعرای معاصر کلیم
۱۵۵.....	گاهشمار میرزا ابوطالب کلیم کاشانی
۱۵۷.....	گزیده کلیم
۱۵۸.....	اشاره:
۱۶۱	از غزلیات
۲۴۱	از ترجیع بندها
۲۴۴.....	از ترکیب بندها
۲۴۸	مشنوی خشک
۲۵۳	رباعی
۲۵۴.....	از قصاید
۲۶۰.....	تک بیت‌ها
۲۸۹	فهرست اعلام
۲۹۷	منابع و مأخذ

پیش سخن

سبک هندی (اصفهانی)، سبک مسلط بر شعر قرون دهم و یازدهم هجری قمری ایران و هندوستان بود.

تاکنون مقالات فراوانی درباره سبک هندی و شاعران این طرز نوشته شده است، اما قریب به اتفاق این مقالات، که از دو دیدگاه کاملاً مخالف به موضوع نگریسته‌اند، از چند اشکال اساسی برخوردارند؛ نخست اینکه جز معبدی، بیشتر مقالات ناظر برگوشه‌ای از این سبک‌اند. و دوم تقریباً جملگی نسخه‌برداری از یکی دو نسخه مادرنده؛ همه موافقین کم و بیش همان سخنان آقای امیری فیروزکوهی - که ظاهرآ نخستین مدافع سبک هندی (اصفهانی) بوده‌اند - را تکرار کرده‌اند؛ و مخالفین نیز همان گفته‌های رضا قلی خان هدایت، آذر و دست بالا برخی از بازگشتهای طرفدار سبک خراسانی مخالف این طرز را؛ آن اندک مقالات واقع‌بینانه و دقیق پیرامون این سبک نیز همه از آن کسانی چون راجر سیوری، ریپکا و دیگران است. انگیزه من برای تحقیق در سبک هندی وجود همین آشفتگی بود؛ به ویژه آنکه با انتشار تاریخ تذکره «از صبا تا نیما»، که آقای یحیی آرین پور در دو سطر آغازین کتاب پرونده سبک هندی را بسته بودند، کلاف در مه سنگینی نیز فرو شد.

روزی که من آغاز به مطالعه جدی پیرامون سبک هندی کردم تقریباً همزمان با انتشار کتاب «از صبات نیما» بود، و از آنجا که هرجوینده ناپخته و نوراه، اصولاً «کتاب» را فی نفسه وحی منزل می‌داند (و گمان می‌برد که هر کتاب الزاماً خود حقیقت است) با دیدن نوشته آقای آرین پور حقیقتاً دچار حیرت شدم. چطور چنین چیزی ممکن است! من نظراتی درست نقطه مقابل نظر قاطع ایشان که مورد اعتقاد من بودند و هستند، از کسانی دیگر شنیده بودم که به همین اندازه مورد اعتقاد من بودند. پس کنجدکاوانه تر برآن شدم که حقیقت را دریابم.

نخستین جستجوها می‌بی حاصل ماند، چرا که، پیشتر گفتم، نوشته‌ها همه همانند بودند و یکسان. پس لزوماً می‌باید مستقیماً به کتاب‌های به جای مانده از آغاز پیدایش سبک هندی تاکنون مراجعه می‌کردم؛ بدین منظور و در پی چنین کوششی کتاب «تاریخ تذکره‌های فارسی» را یافتم، ولی این تاریخ - با ارج گذاری به مؤلف ادبیش جناب آقای احمد گلچین معانی - دسته کلید انبوهی بود که کلید اصلی را به سادگی به دست نمی‌داد؛ چه، پس از فهرست کردن عنوانین کتب مورد نظر، در عمل، مشکل اول این بود که پاره‌ای از تذکره‌ها یافت نشد، و آن تعداد باقی هم که به دست آمد مطلب تازه و کارسازی نداشت؛ باز هرچه بود همه یک حرف بود؛ کلی گویی بود و مبالغی تعریف و تمجید. دیدم بهترین روش، مطالعه تاریخ و هنر عصر صفوی و دیوان شاعران این طرز است. چنین کردم، و از آنجا به مقالات متعدد (و همانند) و کتب دیگر رسیدم، و به مرور و در جریان عمل کلاف‌ها به آرامی گشوده شد. انگیزه تحقیق هدفمند شد و هدف آشکار. و اکنون، در یک کلام، هدف از این تحقیق تلاش برای به دست دادن شناختی همه جانبی و واقع‌بینانیه از سبک

هندي از طریق جمع‌بندی و تحلیل نظراتی است که تاکنون ارائه شده است؛ با اتکا به اشعار شاعران این سبک.

اکنون، شناخت سبک هندی (اصفهانی) یک ضرورت اجتناب ناپذیر است: نخست به عنوان یک سبک شعر در ادبیات فارسی؛ دوم به عنوان سبکی که ازویژگی‌های برجسته نسبت به سبک‌های پیش از خود برخوردار است؛ سوم به دلیل صورت نگرفتن پژوهشی واقع‌بینانه و در نتیجه ناشناخته ماندن آن؛ و چهارم اینکه بسیاری از غزلیات امروز به دلایلی سخت تحت تأثیر زیبایی‌شناسی شعر سبک هندی است. و این ناگزیری به ویژه برای مؤلف کتاب حاضر دو چندان است، چرا که نگارنده کوشش جدی شاعران سبک هندی را برای رهایی از صور خیال مکرر و کسل‌کننده و مرده سبک‌های گذشته، و جستجوی خستگی ناپذیرشان را در کشف عناصر خیال در زندگی روزمره مردم کوچه و بازار، بی ارتباط با مرحله تحولی جامعه صفوی - که به گمان عصر نطفه‌بندی دوران بورژوازی در ایران است - نمی‌داند. و از این دیدگاه، طبیعتاً سیر منطقی شعر فارسی بعد از سبک هندی، در حقیقت باید سبک نیمایی باشد. پس، پیدا شدن «مکتب اصفهان» و شعر بازگشت در این میانه، نه یک مرحله نکاملی، بلکه همان طور که بینانگذاران آن نیز آگاهانه نام مکتب «بازگشت» را بر آن نهاده‌اند، یک حرکت واپسگرا و قهقرایی و کودتاًی - ارتجاعی است. شناخت درست سبک هندی، مقدمه شناخت تاریخی سبک نیمایی است یکی از اهداف این تحقیق نیز همین است. ما پس از غور در اشعار سبک هندی (اصفهانی) به روشنی درمی‌یابیم که چطور قالب و چهارچوب تنگ اشکال کهن شعر فارسی ظرفیت این همه تعبیر و تصویر و اشیاء و بالندگی و گستردگی زندگی خشن و پر تحرک و دقیق

دوران نوین را ندارد. شعر سبک هندی از بسیاری اشیاء و تعبیر در حال انفجار است. و شعر نیمایی شکل کمال یافته و منفجر شدهٔ شعر هندی (اصفهانی) است.

البته کتاب حاضر شاید هنوز تنها یک جمع‌بندی مقدماتی از تمام نظرات و گمان‌هایی است که پیرامون این سبک اظهار شده است. این کتاب آغاز حرکت است، و امیدم این است که در آینده محققینی که بر باور این نویسنده‌اند، با تحقیق و تدقیق بیشتر ارتباط کیفی و تاریخی این دو سبک (هندی و نیمایی) را بنمایانند.

کتاب حاضر در حقیقت مجموعه‌ای است از دو کتاب به شرح ذیل:

کتاب اول تحقیقی است پیرامون سبک هندی در چهار بخش:

بخش اول: بررسی ناگزیری، علت و چگونگی وابستگی هنرمندان و اندیشمندان اعصار گذشته به حکومت‌ها، و کیفیت ارتباط شاعران عصر صفوی (دوران مورد بحث این کتاب) است با پادشاهان سلسله صفوی و علل سفرشان به هندوستان.

بخش دوم: جستجو و تحقیقی است در یافتن مولد و موطن سبک هندی و نخستین شاعریا شاعرانی که اولین جرقه‌های این سبک در دیوان آنها جلوه کرده است.

بخش سوم: بحثی است پیرامون درستی و نادرستی نام‌های مختلف این سبک.

بخش چهارم: بررسی ویژگی‌های سبک هندی.

کتاب دوم نیز در سه بخش تنظیم شده است:

بخش اول: شرح زندگانی کلیم کاشانی.

بخش دوم: نقد مجمل اشعار کلیم.

بخش سوم: برگزیده اشعار کلیم.

در پایان، بر خود لازم می‌دانم از دوستان ارجمند جناب کریم رجب‌زاده و علی مرتضویان فارسانی که دست‌نوشته کتاب حاضر را به دقت خوانده‌اند و بی‌دقیقی‌های چندی را یادآوری و اصلاح کرده‌اند، آقای شهریار ضرغام دنبلي که بر من منت گذاشته، با زحمت فراوان فهرست نسخه‌های خطی آثار کلیم کاشانی را تهیه و تنظیم کرده‌اند، از شاعر و ادیب ارجمند جناب دکتر شفیعی کدکنی که همچنین دست‌نوشته کتاب را خوانده‌اند و پاره‌ای نکات اصلاحی را تذکرداده‌اند و با تأیید نظر (به قول حافظ)، مثل همیشه حل معماهی من کرده‌اند، و از جناب دکتر عبدالحسین زرین‌کوب که با صلحه بر گردباد شور جنون، مرا تشویق به چاپ این نوشته کرده‌اند، سپاسگزاری و قدردانی کنم.

تهران - تابستان ۱۳۶۴

شمس لنگرودی

کتاب اول

صدای پای خیال

به خواب بود رخش خواستم نظاره کنم
صدای پای خیالم نمود بیدارش

دارالامان

چرانخوانم دارالامان حادثه اش
که «هند» کشتی نوح و زمانه توفان است^۱
کلیم

مدخل

تanhضت مشروطیت، شاعران و هنرمندانی که بدون اتكاء به حکومت‌های وقت توانسته باشند روی پای خود بمانند و موجودیتشان را اثبات کنند و حرفشان را به گوش مردم برسانند، شاید از شمار انگشتان دست هم تجاوز نکند،^۲ از آن تعداد انگشت شمار نیز بیشترشان عارفانی بودند که وسیله پخش آثارشان را طرفدارانشان فراهم می‌کردند، و کسانی نیز در وضعیتی استثنایی بودند که آگاهی از زندگی شان به تحقیقی جداگانه نیاز دارد.^۳ اما سبب وابستگی به حاکمان چه بود؟ سبب آن بود که در روزگاران گذشته که هیچ گونه وسیله ارتباط جمعی برای پیام‌رسانی شاعران وجود نداشت، دربار و هیئت حاکمه در واقع تنها کanal انتشاراتی

۱. دیوان کلیم، چاپ مهدی افشار، ص ۲۲.

۲. نگاه کنید به: جامعه‌شناسی هنر، ۱. ح. آریان پور، ص ۲۲۰.

۳. همان، ص ۱۸۴.

آثار هنرمندان به شمار می‌آمد.^۱ شاعران، مستقیم و غیرمستقیم، با دربار در ارتباط بودند، و این امر ظاهراً به نفع هردو طرف - یعنی شاعران و هیئت حاکمه - بود، چرا که شاعران حاکمان را می‌ستودند و گاه از هیچ همه چیز می‌ساختند، و حاکمان نیز امکان زندگی مرفه و ادامه کار سروden شعر را برای شاعران فراهم می‌کردند. پادشاهان نیازمند شاعران بودند، والبته «خواست ممدوح از شاعر تنها این نبوده است که او را به نیکی بستاید، تا وی را خوش آید، بلکه می‌خواسته است سخن او چنان نافذ باشد که در دل مردمان اثر کند و در نتیجه صیت بزرگی ممدوح تا اقصی نقاط برسد...» مهم این بود که دیگران بپذیرند که [اینان] چنین کردند و چنین می‌کنند، پادشاهان می‌خواستند آوازه مردی، دلیری، جنگاوری، دشمن شکنی، کشورگشائی، رعیت نوازی، دادگستری و بخشش فراوان آنان به همه جا برسد تا دشمنان ایشان مرعوب، و دوستان و خدمتگزاران مஜذوب شوند.^۲ و شاعران هم نیازمند حاکمان بودند تا به خواست‌های خود برسند. نظامی عروضی در چهار مقاله می‌نویسد که فرخی سیستانی «از صادر و وارد استخبار می‌کرد که در اطراف و اکناف عالم نشان ممدوحی شنود تا روی بدوارد، باشد که اصابتی یابد، تا خبر کردنداور از امیر ابوالملظفر چغانی از چغانیان که این نوع راتربیت می‌کند و این جماعت را صله و جایزه فاخر همی دهد.»^۳ چرا که او همه عمرش را برسر شعر گذاشته بود و اکنون شعرش به قولی «در آسمان هفتم» بود، ولی نه کسی اورامی شناخت و نه آن قدر پولی در بساط داشت که حداقل بتواند «پس از زناشویی محارج خود را

۱. نگاه کنید به: نورو ظلمت در تاریخ ادبیات ایران. میخائيل زند، صص ۸۳-۷۷.

۲. تطور مدیحه‌سرایی در ادبیات فارسی تا قرن ششم، نامه مینوی، سید جعفر شهیدی، ص ۲۶۹.

۳. چهار مقاله، نظامی عروضی، ص ۵۸.

تأمین کند^۱. نظامی عروضی می‌نویسد: [عمید اسعد] «فرخی راسگزی دید بی‌اندام، جبهه‌ای پیش و پس چاک پوشیده، دستاری بزرگ سگزی وار در سر، و پای و کفش بس ناخوش، و شعری در آسمان هفتمن»^۲. اما نتیجه آن استخبار و ورود به دربار این شد که همین فرخی «بی‌اندام» که شعرش در آسمان هفتمن بود - و با این وصف - هفت همسایه آنسوی تراز آن خبر نداشت، پس از چندی که مسئول تبلیغات حکومتی شد «جامه‌های توزی و قصب و صدره دیبا و خرزقیمتی و قزسمور بر تن می‌کرده است»^۳ و «کارش بدان جا رسید که تاییست غلام سیمین کمراز پس او بنشستندی»^۴. و این در حالی بود که نام او نیز همه سوبرزبان‌ها افتداده بود.^۵

البته طیف شاعران حکومتی بسیار گسترده بود. در یک سوی آن طیف شاعرانی جا داشتند که واقعاً به نظام مورد تبلیغشان معتقد بودند و با حریه شعر به تثبیت و تحکیم آن نظام می‌پرداختند، چون حافظ^۶ و حسان بن ثابت^۷ (مدادح پیامبر اسلام)، و درسوی دیگر کسانی چون قالانی و امثال او - که در عین بی‌اعتقادی - برای گذران دور روزه عمر از هیچ‌گونه خواری و سبکسری و چاپلوسی و دروغ کوتاهی نمی‌کردند. کوتاه سخن این که بیشتر هنروران گذشته به ناگزیر وابسته به حکومت و نظام موجود

۱. فرخی سیستانی (بحثی در شرح احوال...)، دکتر غلام‌حسین یوسفی، ص ۴.

۲. همان، ص ۲۶. ۳. همانجا.

۴. چهار مقاله، نظامی عروضی، ص ۶۵.

۵. فرخی سیستانی (بحثی در شرح احوال...)، دکتر یوسفی، ص ۷۴. همین جانظرتان را جلب می‌کنم به نظر واپس‌گرایی که اعلام می‌دارد: «رفع پس‌ماندگی‌ها و اعتلای مادیات سبب عقب‌ماندگی شعرو و معنویات می‌شود.» نگاه کنید به: یغما، ۱۵، ص ۴۱۰، سبک سخن هندی، فیض محمد زکریا.

۶. نگاه کنید به: بحث در آثار و افکار و احوال حافظ، دکتر قاسم غنی.

۷. نگاه کنید به: حبیب السیر، خواندن امیر، جلد دوم، ص ۱۲۱.

بودند.^۱ حال اگر حکومت وقت - به هر دلیل - پشتیبان شعر بود، شعرو شاعری رونقی می‌یافت، و اگر نه، دوران فرو ریختن شعر بود و نابودی شاعر نمونه‌های فراوانی از این واقعیت تلخ تاریخی می‌توان به دست داد؛ مثلاً در سه قرن اول هجری تقریباً هیج شعر فارسی مکتوبی عرضه نشده، زیرا در آن چند قرن «حاکم معمولاً عرب و یا از ایرانیانی بوده‌اند که با زبان عربی آشنایی داشته و از جمیع جهات تابع حکومت عرب بوده‌اند»^۲ [و] طبعاً در مکاتبات رسمی و تهنيت‌های اعياد و فتوح جرزیبان عربی معمول نبوده^۳ و «کسانی که قصد ورود در امور سیاسی و اجتماعی داشتند می‌بایست این زبان را فرا گیرند... به همین سبب اندک اندک زبان عربی در میان ایرانیان رواج یافت».^۴ بعد، این قضیه تا آنجا پیش می‌رود که وقتی اسماعیل بن یسار، شاعر ایرانی، در مقابله با هشام بن عبدالملک، حاکم نژادپرست عرب، می‌خواهد شعری درستایش نژاد ایرانی خود بسراید مجبور می‌شود شعرش را به عربی بنویسد،^۵ یعنی شعری درستایش ایرانی به زبان عربی. این چنین شد که کتاب‌ها، همه از پهلوی به عربی برگردانده شد. سپس یعقوب لیث صفاری آمد، شاعران رسمی عربی گوی ایرانی نژاد دربار کوچکش به عربی به مددش پرداختند، اما او در معنایش فرماند و به شاعران تاخت: «چیزی که من اندر نیابم چرا باید گفت».^۶ که ناگهان شعر فارسی، به طرفه‌العینی تمام و کمال تغییر زبان داده، دیگر بار به پارسی بدل شد.

۱. لازم به تذکر است که وابستگی به حکومت‌ها خاص شعران بوده بلکه اغلب دانشمندان نیز به نحوی با دربار تماس داشتند که خیام و بیرونی و بوعلی و رازی از این جمله‌اند.

۲. تاریخ ادبیات در ایران، جلد اول، دکتر صفا، ص ۱۶۴.

۳. همان، ص ۱۵۴. ۴. همان، ص ۲۰.

۵. تاریخ سیستان، صص ۲۰۹-۲۱۰.

نمونه از این دست فراوان است.^۱ به قول دکتر زرین کوب: «حرمت [امراي صفوی نیز] در حق علماء و فقهاء سبب می شود که اکثر مستعدان زمانه از شعرو شاعری باز آیند و به فقه و علم روی آورند»^۲ و در سال های اضطراب و پریشانی سقوط صفویه تا پیدایش زندیه نیز «ایرانی ها شعرو شاعری را فراموش کردند، از این جهت در آن مدت یک شاعر مبرز ایرانی دیده نمی شود مگر شیخ علی حزین که او هم از ایران فرار نموده، در هند پناه گرفته بود، و گرنه او هم کشته یا گمنام می شد.»^۳

پس چندان هم بی پایه نیست اگر تاریخ و سرگذشت ملت ما با شاهنامه متراffد شده است، و شاهنامه معنای دیگر تاریخ اجتماعی ایران است؛ و هم گزافه نیست اگر ما «دارالامان» را تعمیمش دهیم به گونه ای که عموم درباره ای قدمی و میانه را در بر بگیرد.

با روشن شدن موضوع وابستگی متقابل حکومت و هنرمند در ادوار گذشته، و نقش تعیین کننده حکومت ها در چگونگی وضع شعر، حال خوب است ببینیم که در دوره پیدایش شعر سبک هندی^۴ - سلاطین صفوی - نظر و بروخورد به شعرو شاعری چگونه بوده است.

در این مورد، به طور کلی، دو نظر وجود دارد: نظری که سلاطین صفوی را بی اعتماد به شعرو شاعری دانسته و همین عامل را باعث مهاجرت شاعران به خارج از کشور (به ویژه هند) می داند، و نظری که نه فقط

۱. نگاه کنید به: سیر غزل در شعر فارسی، دکتر سیروس شمیسا، صص ۵۰-۵۵.

۲. نقد ادبی، دکتر زرین کوب، جلد اول، ص ۲۵۵.

۳. شعرو شاعری عصر جدید ایران، داعی الاسلام، ص ۷.

۴. استفاده از اصطلاح سبک هندی (یا اصفهانی) در این کتاب به معنی پذیرش این نامها از سوی من نیست، به نظرم همه این نامها نادرست است و چرا که آن را هم در همین کتاب می خوانید، ولی استفاده از این نامها عجالتاً برای ادامه بحثمان لازم است.